

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۰۲ اکتوبر ۲۰۱۳

## به اصطلاح «سازمان کارگران م.ل.م.» مایه بد نامی زنده یاد «اکرم یاری»!

در این اواخر دو «نوشته» کوتاه توسط دو انجونیست بدنام به نام «شهید یاری» به دست نشر رسید که در ختم یکی از آن دو «نوشته» زنده یاد «اکرم یاری» خودش را (صدر اکرم یاری) خطاب کرده اند. شاید دو نوشته کوتاه گفتار شهید «اکرم یاری» باشد و اما به اصطلاح «سازمان کارگران» از نشر و نوشتن ارجاع و مرجع آن ابا ورزیده اند. چطور و چگونه این دو نسخه کوچک از نوشته های شهید «اکرم یاری» به دست این دو جاسوس انجونیست افتاده است و نزد فامیل اصلی شان موجود نیست؟

نسخه اولی منسوب به «یاری صاحب» را بخوانید:

"فقط آنگاهی که مرز عملی میان ما و اپورتونیست ها کاملاً آشکار و آشتی ناپذیر باشد/ می توان به بسیج هر چه بیشتر و وسیعتر توده ها نایل آمد/ سطح درک آنها از تیوری را بالا برد و شعور سیاسی آنها را بیدار نمود و پرورش داد. مبارزه ئی {مبارزه ای} آشتی ناپذیر عمل در تاکتیک/ این است راه صحیح بسیج توده ها(صدر اکرم یاری، ۱۳۴۸/۴/۲ (؟")

نکات ذکر شده یا توسط «یاری صاحب» بیان شده باشد و یا نشده باشد صرف نظر از بار معنایی آن که می تواند بحث های خاص خود را در قبال داشته باشد، تعجب می کنم که چرا جاسوسان دو سره و پلیدترین عناصر فرصت طلب از این نوشته به نفع خود استفاده می کنند؛ در حالی که خود دارای هیچ نوع هویت سیاسی و پراتیک مبارزاتی نبوده و سر تا پا در لجن بی ناموسی و دغلبازی فرو رفته و غرق اند!

در مورد خود خواهی و خود ستائی نکاتی را به عرض می رسانم:

آدمیزاد تیپ های شخصیتی متفاوتی دارند. شخصیت خودستا و خود پرست، شخصیتی است که خود را بالاتر از دیگران و ستودنی می داند و خود را محور محیط پیرامون و دنیا می پندارد. شخصیت خود شیفته نماد بارز انسان خودخواه است. این که ما گوشه های از زندگی مبارزاتی «شهید یاری» را به نقد کشیدیم این بدان معنی نیست که ما بر شخصیت مبارزاتی او شان توهین روا داشته ایم، زیرا نقد و انتقاد برای اصلاح کردن می باشد و «یاری صاحب» من حیث یک انسان خالی از اشتباه نبود. این که نقد های ما را وارونه تعبیر می کنند و از آن استفاده های سیاسی می دارند؛ تنها حرامزادگان و زنازادگان به چنین کار ضد انقلابی دست می زنند و عده ای ساده دل و ساده اندیش به حرف های «بهم انداز» این جاسوسان فریب می خورند و بس!

این را واقعاً می دانیم که «یاری صاحب» در هیچ مقطعی در زندگی سیاسی اش در لجن خود ستائی و خود شیفتگی فرو نرفته بود و هیچ گاهی خودش را «صدر» خطاب نکرده است و این یک اتهام و برجسپ رذیلانه علیه شخصیت اوشان از جانب بچه بی ریشان پیرم قل می باشد. اگر یاری فقید در قید حیات می بود، همان طوری که صادق ظفر دنی را (قوم شرم) خطاب می کرد بچه بی ریشان پیرم قل «موج» را ننگ و شرم انسانیت می نامید و پخسه های تف به طرف صورت های شان حواله می نمود.

افرادی جنایت پیشه و خاین از قماش خادیسست «مائویست شناس» داکتر غفور ثنا- سنا- انجنیر ضیاء- صادق ظفر- بچه بی ریشان پیرم قل «موج» و دیگر جاسوسان و مخبران، از دوران کودکی چنان بار آمده اند که گوئی همه چیز باید حول محور آن ها بچرخد؛ چنین افرادی ممکن است از سوی نزدیکان و خانواده با همین خصوصیات پذیرفته شوند اما در تعاملات اجتماعی و سیاسی قطعاً با مشکلات زیادی روبه رو می شوند که چون قدرت پذیرش آن را ندارند و از آن تحت عنوان ها و برجسب های مختلفی استفاده می کنند. بنابر دلائل ذکر شده، خادیسست «مائویست شناس» داکتر غفور ثنا-سنا- انجنیر ضیاء- صادق ظفر- بچه بی ریشان پیرم قل «موج» در بیشتر از چهار دهه اخیر حتی یک عملکرد درست انسانی از خویش به یادگار نگذاشته اند و به جز افراد دور وبر شان و فامیل های شان که از آنها شناخت داشته وبه علاوه در صحنه سیاسی از شناخت ضبط احوالات و استخبارات دولتی و سازمان های جاسوسی کشور های ارتجاعی و امپریالیستی برخوردار بوده و اما از شناخت توده های خلق بر خوردار نبوده و بی نصیب می باشند. چسپیدن این جاسوسان بدنام و وطن فروش هجو (جوک) به اسم و رسم مبارزاتی زنده یاد «یاری» تنها و تنها خود را از گمنامی سیاسی نجات دادن می باشد و بس؛ در غیر آن اگر «یاری صاحب» زنده می بود مطمئن بودم که این جاسوسان را فرصت طلبان کثیف خطاب می کرد. در واقعیت امر خادیسست «مائویست شناس» داکتر غفور ثنا-سنا-انجنیر ضیاء- صادق ظفر- بچه بی ریشان پیرم قل «موج» و دیگر سگان قوله کش سعی و تلاش دارند تا با استفاده از اسم «یاری صاحب» برای خویش سوابق مبارزاتی بخرند و آن هم سابقه شعله ئی؛ زهی سگ گری سگانه و خوک گری خوکانه؟! در واقع فرد خود ستا و خود پرست همه خوبی ها را برای خودش می خواهد و با بدی ها نیز تا زمانی که به ضررش نباشد کنار می آید. اما زمانی که جایگاه وی به هر دلیلی به خطر بیفتد، دنیای ذهنی وی همان ویژگی ها و خصلت ها را طور دیگری تعبیر می کند. غفور ثنا و صادق ظفر قبلاً از من به تعریف و تمجید می پرداختند و زمانی که با مسؤول «بابا» در گیر جر و بحث بودم هر دو به پشتیبانی ام برخاستند؛ اما همین که برای نخستین بار از عملکرد های خاینانه خادیسست «مائویست شناس» داکتر غفور ثنا- سنا و صادق ظفر انتقاد اصلاحی کردم ، به جای تعمق و جواب منطقی به جیغ کشیدن آغازیدند یعنی این قلم در واقع در خانه خوک ها سنگ زدم و این بدان معنی است که «غرور» شان را زیر پاهایم کردم و بر خود خواهی ها و خود ستائی های شان شاشیدم و این موجب آن گشت که خوک ها را (تور) دادم تا جیغ بکشند. گر چه از جیغ کشیدن خوک متنفرم و اما از جیغ کشیدن خوک های نوع خادیسست «مائویست شناس» داکتر غفور ثنا-سنا- انجنیر ضیاء- صادق ظفر- بچه بی ریشان پیرم قل «موج»، سخت لذت می برم. هههههه

خادیسست «مائویست شناس» داکتر غفور ثنا-سنا- انجنیر ضیاء- صادق ظفر- بچه بی ریشان پیرم قل «موج»، برای پیگیری اهداف و اغراض ناشریفانه شخصی، سیاسی و اهداف مغرضانه و استعماری ارتجاع و امپریالیسم تلاش های مذبحانه می ورزند و هم در این کارزار ارتجاعی به خودخواهی و خود ستائی نیز پرداخته تا مایه شهرت شان واقع گردد. مبارزه به خاطر توده های ستمکش برای این دله ها و دیوتان کثیف تر از هر نوع کثافت، اولویت ندارد زیرا خود متعلق و یا در خدمت طبقات ممتاز و ستمگر جامعه بوده و اصلاً درد و رنج مردم را ندیده و احساس نکرده اند و تنها به خود و منافع طبقاتی شان و منافع باداران خارجی شان اندیشده و می اندیشند.

«امواج» روی مرداب که باتصادم با شبنم صبگاحان در «هالند» ترکیبند و حالا از باتلاق «پیرم قل» اخوانی وحشی، آدمکش و وطنفروش، در خفا و بدون نام و نشان و آدرس مشخص سیاسی ظاهر گشته و چنان می انگارند که به نوشته های «شهید یاری» دسترسی دارند و اینک با نخره و کرشمه این زالو صفتان خفاش و «کوانتل پرو» دو نسخه کوچک پرزه مانند را به اسم «شهید یاری» چاپ نموده اند و اما نمی گویند که از کدام کتاب و یا آثار علمی و فلسفی «شهید یاری» اقتباس کرده اند؟!

نسخه دوم منسوب شهید اکرم یاری را بخوانیم:

"گروپ اخوان که دسته ضربتی ارتجاع تیپ غربی روحانیون مرتجع و فیودالهای بزرگ است نیز از نگاه اجتماعی و سیاسی سرشت همسان با روند رویزیونیستی داشته و اهداف همگونی دارند. ولی تشدید فعالیت ایشان انعکاسی {انعکاس} پیشرفت سرطان وار روند رویزیونیستی در کشور است".

حرف بالا برای خود سگان «موج» صدق می کند؛ چون سگ و سگ صفت اند متوجه سخن جامع بالا نشده اند!! بی ناموسان پارسی زده ای مفلوک (باند دو نفره) که تحت نام به اصطلاح «سازمان کارگران» از قوش خانه و حمله پیرم قل و رفاصه خانه عطاء محمد نور از رسیدن بهار مائوئیسم عوعو می کنند با لاطائلات، موهوم پرستی و خرافات می خواهند زیر نام «شهید یاری» خود را بر جنبش پرولتری تحمیل کنند و «نجوا» های مرده را زمین لرزه گویند؟! این دو نفر از مسئولین نشریه متوفی «موج» که در هالند به دست نشر می رسید، بعد از تجاوز امپریالیسم جهانی بدینسو در افغانستان و در خدمت منافع امپریالیسم به انجوغری مشغول اند. این دو کم ظرف مرتد و شهرت پسند تحت نام به اصطلاح «سازمان کارگران افغانستان مارکسیست - لنینیست- مائوئیست» فعالیت های انترنیتی نموده و همگام و همنا با خلقی دو آتشه داکتر غفور ثنا-سنا رفیق شب و روز داکتر «زرغون خلقی» و خادیسست فاشیست حشمت کیانی و قاتل رفیق زنده یاد سلطان احمد، «انجنیر» صادق ظفر مقیم هالند، دزد سلاح ها، مهمات و اسناد درونی «ساما»، مستنطق (خاد)، جاسوس آ. اس. آ.، قاتل شهید قهرمان نصرالله (شیردل) و انجواکونومیست جاسوس- وطنفروشان و سگان پر آوازه استعمار شوروی اسدالله کشتمند و سلطانعلی کشتمند تحت پوشش «مائوئیسم» علیه جریان شعله ئی و جنبش انقلابی و رهبران اسطوره ئی جریان شعله و جنبش انقلابی لجن پراگنی می کنند تا با این حرکت بزدلانه و رذیلانه شان کسب شهرت و هویت نمایند.

این دو تا از سگان وامانده ظاهراً از ضدیت با اخوان و اخوانیسم داد می زنند و اما در حقیقت امر سگان منافع اخوان اند. امروز این سگان دم بریده در سایه اخوان راه می روند و از آخور و آبشخور اخوان آدمکش، بی رحم و قسی القلب «پیرم قل» می نوشند و تغذیه می کنند و هم برای «محمد محقق» اخوانی هزاره ایست و چنگیزیست دم می شورانند و بر رکاب و نقش پاشنه های «عطاء محمد نور» بوسه می زنند!!

دو تا از سگان انجونیست/خادیسست سزائی، بالای قیام های قهرمانانه و بی نظیر در تاریخ قیام چنداول و قیام بالا حصار عف و جف می زنند؟!

زمانی که دو سازمان اساسی مقاومت ملی یعنی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان-ساما تحت رهبری ببر مقاومت ملی اسطوره اسطوره ها و قهرمان راستین ملی افغانستان ایر مرد بی بدیل «مجید کلکانی» و سازمان رهائی تحت رهبری بزرگ مرد، اسطوره فراموش ناشدنی داکتر فیض احمد، قیام های چنداول و بالا حصار را برای سرنگونی رژیم دست نشانده سوسیال امپریالیسم شوروی در عمل به راه انداختند مورال رژیم کودتا را تقلیل و در بین دولت و حکومت ترس و وحشت ایجاد کرد و این ترس و وحشت موجب آن شد تا رژیم کودتا را بدان وادارد تا هر چه بیشتر نقاب استقلال عمل را از رخ برداشته و ماهیت وابستگی غلیظ استعماری اش را به سوسیال امپریالیسم روس برملا سازند. قیام های

تاریخی چنداول و بالا حصار در ذاتش نظر به شرایط و اوضاع تاریخی کشور، انقلابی تراز بسیاری قیام های تاریخی می باشد.

(دستش به انگور نمی رسد می گوید که انگور ترش است)؛ در آن آوان که قیام های تاریخی چنداول و بالا حصار همچو تندر طوفان بر پا کرد و کاخ های ظلم و ستم را لرزاند ،گرچه به شکست خونین انجامید و اما ثابت ساخت که اگر خلقی اراده کند و سلاح رزم بر شانه کشد می تواند بزرگترین قدرت ها را شکست دهد. اگر قیام های تاریخی چنداول و بالا حصار باعث سرنگونی محتوم دولت دست نشانده نشد و اما جرأت انقلابی و عظمت مبارزاتی جنبش شعله ئی و جنبش انقلابی را به نمایش گذاشت. اگر در قیام بالاحصار ائتلافی با اتحاد سه گانه به خاطر سرنگونی رژیم فاشیستی امین/تره کی صورت پذیرفت این حرکت مخالف با هیچ معیار انقلابی نبوده و در جریان انقلاب اکتوبر- انقلاب چین و انقلاب فرانسه اتحاد ها و ائتلاف هائی با نیرو های چپ و راست صورت گرفته است. اتحاد سه گانه نخست ضد روسی بود و دوم اخوان مکتبی و اخوان سیاسی نبودند، حتا همین نیروی دست راستی ضد روسی که فعلاً در خدمت امپریالیسم جهانی قرار گرفته اند در سگ جنگی های کابل بالای قدرت سیاسی شرکت نکردند و این یک حقیقت است.بناءً انتقاد «منتقدین» در مورد قیام های تاریخی چنداول و بالا حصار از دید ک. ج. ب. و (خاد) بوده و پایه و اساس منطق در آن دخیل نبوده و تنها اغواگری و تبلیغ دشمنانه ای است از جانب دشمنان سوگند خورده جریان شعله ئی و جنبش انقلابی!

آری! رویونیسم هنوز همان عرشه ای است که اخوانیزم بر فراز آن ایستاده است و نمونه اش ائتلاف رویونیست های «حزب دمکراتیک خلق» و استخباراتی های همچو داکتر غفور ثنا-حسین جاسوس-صادق ظفر با حزب فاشیستی و اخوانی «وحدت اسلامی» و همکاری شان با استخبارات پاکستان می باشد.

نوشته رفیق گرانقدر و انقلابی بی باک پیکان بنوال " پولاد، شورشی و سوم عقربها آب به آسیاب کی می ریزند؟" حاوی مطالب ارزنده و واقعیات تلخی است که حتا داکتر غفور ثنا این جاسوس هفت رنگ را به سکوت واداشته است.